

التمهید و جایگاه آن در میان آثار قرآن پژوهی

□ حسن خرقانی^۱

□ عضو هیئت علمی دانشگاه علوم اسلامی رضوی

چکیده

التمهید فی علوم القرآن اثر استاد ارجمند آیه الله محمد هادی معرفت مهمترین و گسترده ترین اثر عصر حاضر در وادی علوم قرآن و حلقه ارتباطی میان میراث گذشته و افقهای باز آینده است. در این مقاله تلاش بر این است که پس از مقدماتی کوتاه در شناخت علوم قرآنی، این اثر شناسانده و جایگاه آن در میان آثار قرآن پژوهی نمایانده شود. واژگان کلیدی: قرآن، علوم قرآنی، قرآن پژوهان، آثار قرآن پژوهی، آثار آیه الله معرفت.

مقدمه

قرآن کریم از آغاز نزول تا کنون اندیشه های فراوانی را در راه خود به کار گرفته و شیفتگان بسیاری را به بهره مندی از دریای علم و معرفت خود فرا خوانده است و در عرصه علوم بشری سرمنشأ پیدایش دانشهای گوناگونی شده است (ر.ک: طباطبایی،

۱۳۷۴: ۱۰۵-۱۱۲، خرمشاهی، ۱۳۷۵: ۱۴-۴۴).

بخشی از این دانشها در ارتباط مستقیم با خود قرآن قرار دارد که یا برای خدمت به قرآن به وجود آمده است و زمینه فهم قرآن و بهره‌مندی از معارف آن را فراهم می‌آورد؛ همانند: لغت، نحو و علوم بلاغت و یا به‌کندوکار مستقیم در خود قرآن می‌پردازد که از این نوع با عنوان دانشهای قرآن‌پژوهی می‌توان یاد کرد. دانشهای قرآن‌پژوهانه یا به‌درونمایه قرآن و شرح و تفسیر آن می‌پردازد (علم تفسیر) و آموزه‌های قرآن را درباره موضوعات مطرح شده در آن و پرسشهای مخاطبان را به بحث می‌نشیند (تفسیر موضوعی و معارف قرآن) و یا خود قرآن را موضوع بحث قرار می‌دهد و در ابعاد گوناگون این آخرین وحی آسمانی و معجزه جاوید سخن، به‌کندوکار می‌پردازد (علوم قرآنی). از دانشهای سه‌گانه یادشده به ترتیب به: دانشهای مقدمه‌ای (علوم القرآن)، دانشهای درون‌قرآنی (علوم فی القرآن) و دانشهای قرآن‌محور (علوم حول القرآن) می‌توان یاد کرد (ر.ک: موسوی، ۱۳۸۰: ۹/۱-۱۶).

التمهید فی علوم القرآن اثر گرانسنگ استاد فقید علامه ذوفنون، آیه‌الله محمدهادی معرفت، در زمره آثار قرآن‌پژوهی به‌طور عام و در حوزه علوم قرآنی، به‌طور خاص قرار می‌گیرد. این اثر با وجود نام آشنا بودن برای دانشجویان و دانش‌پژوهان عرصه علوم قرآن، و بهره‌بری فراوان از آن، بایسته شناختی بهتر و دقیقتر و شایسته جایگاهی والاتر و بالاتر است. مقاله حاضر گامی است هرچند کوچک در راه آشنایی بیشتر با التمهید و شناساندن ویژگیها و برتریهای آن.

پیش از ورود به اصل مبحث و بررسی ویژگیها و جایگاه کتاب، اشاره به چند نکته در همین مقدمه ضروری می‌نماید. نکته اول اینکه علوم قرآن، دانشی است تشکیل یافته از مجموعه‌ای مباحث که به مطالعه و بررسی قرآن کریم از ابعاد گوناگون می‌پردازد و آن را از ناحیه نزول، جمع و ترتیب، کتابت و قرائت، نسخ، احکام و تشابه، اعجاز و مانند آن، مطالعه و بررسی می‌کند (ر.ک: زرقانی، ۱۴۱۶: ۲۰؛ صبحی صالح، ۱۹۷۷: ۱۰؛ قطان، ۱۹۹۸: ۱۲-۱۵).

علوم قرآن، دانش قرآن‌شناسی است و مقدمه تفسیر در انواع گوناگون آن به شمار می‌آید و هرچند ظاهری جمعی دارد، یک علم است با شاخه‌های متنوع و

در واقع مجموعه‌ای از مباحث گوناگون است که بسیاری از آنها میان‌رشته‌ای است که از یک سو به قرآن و از سوی دیگر علوم وابسته است. لغت، صرف، نحو، بلاغت (شامل معانی، بیان و بدیع)، اصول فقه، کلام، حدیث، تاریخ از دانشهای مرتبط با علوم قرآن هستند و دانشهای دیگری از مقوله علوم انسانی و هنر و یا علوم طبیعی و ریاضی نیز می‌توانند با علوم قرآن ارتباط برقرار کنند. از این رو تسلط و صاحب نظر شدن یک فرد در تمامی شاخه‌های علوم قرآن کاری بس دشوار و نادرالوقوع است.

نکته دیگر اینکه در شمار مباحث علوم قرآن و یا به تعبیر دیگر در انواع علوم قرآن به شماره‌های متفاوتی برمی‌خوریم: ۵ نوع در المرشد الوجیز ابوشامه، ۱۷ نوع در مناهل العرفان فی علوم القرآن زرقانی، ۴۷ نوع در البرهان فی علوم القرآن زرکشی، ۳۰ نوع در دراسات فی علوم القرآن محمد بکر اسماعیل، ۸۰ نوع در الاتقان فی علوم القرآن سیوطی و شماره‌هایی بیش از این.

تفسیر قرآن کریم نیز با سابقه‌ای طولانی و گسترش روزافزون، مباحث چندی را بر گرد خود فراهم آورده است همچون: تاریخ تفسیر، قواعد تفسیری و مبانی و روشهای تفسیر که از آنها به عنوان «علوم تفسیر» می‌توان یاد کرد. این علوم و نیز مباحث تاریخ قرآنی در گذشته در علوم قرآن یاد می‌شده‌اند و امروزه گاه داخل در آن و گاه جدای از آن یاد می‌شوند.

دایره علوم قرآن را نمی‌توان بسته دانست، بلکه به فراخور زمان مباحثی بر آن افزوده می‌شود که در گذشته مطرح نبوده است یا همان بحث گذشته، صورت مسئله تازه‌ای یافته است که زبان قرآن، خاورشناسان و قرآن، قرآن و علوم روز و شبهات نوظهور نمونه‌هایی از این دست است.

و نکته پایانی اینکه نگاشته‌های علوم قرآنی در چند دسته کلی جای می‌گیرد:

۱. تک‌نگاریها: آثار بسیاری در یک موضوع خاص از موضوعات علوم قرآن و یا زیرمجموعه‌های آن موضوع (ر.ک: اقبال، ۱۳۸۵: ۳۳-۳۳۴) از میان نمونه‌های پرشمار این دسته از النشر فی القرائات العشر ابن جزری، اسباب النزول سیدمحمدباقر حجتی و اعجاز القرآن مصطفی صادق رافعی یاد می‌کنیم.

2. مقدمه تفاسیر: بسیاری از مفسران به دلیل اهمیت و مقدمه بودن برخی مباحث علوم قرآن، در مقدمه یا متن تفسیرشان گاه به اختصار و گاه به تفصیل بدان پرداخته‌اند. گاه این مقدمه‌ها خود اثر مستقلی را شکل داده است که جدای از آن تفسیر منتشر شده است. مقدمه ابن عطیه غرناطی بر «المحرر الوجیز» و مقدمه کتاب «المبانی» از آن جمله‌اند که آرتور جفری آن دو را تحت عنوان «المقدمتان فی علوم القرآن» منتشر ساخت. البیان فی تفسیر القرآن آیه‌الله خویی و نیز کتاب «علوم القرآن عند المفسرین» فراهم آمده از گفته‌های مفسران، در این باره است.

3. مجموعه‌ها: مجموعه‌های علوم قرآن شماری از انواع علوم قرآن را در بر دارد این آثار یا «جامع»‌اند و به طور تقریبی تمامی مباحث مطرح شده در علوم قرآن در روزگار خود را گرد آورده‌اند و یا «غیر جامع»‌اند و شماری از مباحث علوم قرآن، در آن انتخاب شده است به هر حال این جامع بودن می‌تواند نسبی باشد.

البرهان و الاتقان که از آن دو یاد شد، جوامع نخستین علوم قرآن‌اند و آثار سامان یافته در عصر حاضر کمتر توانسته‌اند به جامعیت این دو کتاب برسند. البته گرچه جامعیت یک امتیاز است، اما از آن مهمتر بازکاوی و تعمیق مباحث کاربردی و مبنایی و نیز کشف افقهای تازه در علوم قرآن با توجه به دانشهای نوین است. از مجموعه‌های علوم قرآن در عصر حاضر، به چند مجموعه مهم اشاره می‌شود (برای نمونه‌های این قسم رک: اقبال، ۱۳۸۵: ۳۴۰-۳۸۴): مناهل العرفان فی علوم القرآن: محمد عبدالعظیم زرقانی، مباحث فی علوم القرآن: مناع القطان، مباحث فی علوم القرآن: صبحی صالح، اتقان البرهان: فضل حسن عباسی، هدی الفرقان فی علوم القرآن: غازی عنایت، المقدمات الاساسیة فی علوم القرآن: عبدالله جدیع، علوم القرآن: سیدمحمدباقر حکیم، التمهید فی علوم القرآن: استاد آیه‌الله معرفت در این دسته جای می‌گیرد و مهمترین مباحث علوم قرآن را همراه با نقد و تحلیل و نوآوری سامان داده است.

به جز انواع یادشده، گونه‌های دیگری از نگاهته‌های قرآن‌پژوهی را می‌توان شماره کرد از قبیل: دایرة المعارفها و دانش‌نامه‌ها، پایان‌نامه‌ها و مقالات که تفصیل آن از حوصله مقاله حاضر خارج است.

1. چگونگی شکل گیری التمهید و انگیزه تألیف آن

سابقه قرآن پژوهی استاد آیه الله معرفت به سالیانی دور و به آغاز زندگی تحصیلی و علمی ایشان باز می گردد؛ آنجا که عشق و علاقه به قرآن ایشان را به مطالعه در آن وادی کشاند و سرانجام در کنار توشه‌هایی پر بار از علوم اسلامی و اجتهادی قوی، تیزنگر و نوآور در فقه و اصول، آن استاد فرزانه را چهره‌ای شاخص و بی نظیر در علوم قرآن ساخت. داستان چگونگی شکل گیری التمهید و انگیزه و روشی را آیه الله معرفت رحمته در تألیف آن دنبال می کردند از قلم خود ایشان خواندنی است:

من از آن روزگار که خواندن آموختم، شیفته مطالعه در موضوعات قرآنی بودم و به گشت و گذار در کتابهایی که در مباحث گوناگون آن نوشته شده بود می پرداختم و از این کار بیش از اندازه لذت می بردم، تا آنکه در این عرصه پیش رفتم و از آنجا که یکی از مسائل ضروری و لازم بر هر مسلمان - که می خواهد پشتیبان محکمی برای دین باشد - آن است که با قرآن کریم و امور مربوط به آن آشنا گردد، من نیز ژرفکاوانه و دقیق به پژوهش در مباحث قرآنی پرداختم و در خلال مطالعاتی که داشتم، یادداشت برداری می کردم. این یادداشتها یا نقدهایی بود بر مطالبی که در درستی اش تردید داشتم و یا نکته‌های جالبی بود که در ضمن مطالعه به آن بر می خوردم. اکنون پس از گذشت سالها، از آن یادداشتها دفترهای پربرگی فراهم آمده است و شروع کردم به نظم و ترتیب بخشی از آنها و دیدم صلاحیت تألیف کتاب که شامل بابها و فصلهایی در مباحث مختلف قرآنی شود، را دارد. آن را «التمهید» نام نهادم؛ زیرا من این مباحث را مقدمه‌ای برای تفسیرم قرار دادم که نامش «الوسیط» است و از خداوند توفیق اتمام آن را خواهانم. در این کتاب نظراتی یاد شده است که چه بسا جوینده‌ای نتواند در مجموعه‌ای غیر از این، آن را بیابد یا در لابه لای کتابهایی پر حجم و دور از دسترسی باشد که دستیابی به آن برایش دشوار باشد. آنچه مرا در این کار مصمم ساخت، آن بود که در میان کتابخانه شیعه که در گذشته کارنامه درخشانی در این زمینه داشته است، جای کتابی را که به طور کامل به مباحث قرآنی پرداخته باشد، در عصر حاضر خالی دیدم. برخی کتابها وجود دارد اما تنها به گوشه‌ای از آن پرداخته‌اند و جوانب بسیاری را نادیده انگاشته‌اند و اگر پژوهنده‌ای بخواهد به نظر مذهب اهل بیت علیهم السلام در این باره واقف شود، به آن دسترسی ندارد. از این رو من آثار و دیدگاهها را پژوهیدم و با توجه به متون تاریخی روشن و روایات متواتر یا روایاتی که

نشانه‌هایی قطعی بر صحت خود دارند، آنها را به نقد کشیدیم. در جریان بحث‌های آینده روشن خواهد شد که چه انحرافهایی در اندیشه بسیاری از پیشوایان اهل نقد و نظر روی داده است؛ زیرا در نتیجه گیری شتاب کرده‌اند یا تعصب مذهبی و روش نابجایی که به کار گرفته‌اند آنان را بدین سوی سوق داده است. اما من از هیچ مسئله‌ای تا به درستی و اصالت آن اطمینان نیافتم، گذر نکردم و تا آنجا که در توانم بود از تلاش در این راه فروگذار نکردم (معرفت، ۱۴۱۲: ۲۰/۱-۲۱).

استاد آرزو داشتند مجموعه آثار قرآنی خود را پس از تجدید نظر در قالب موسوعه‌ای قرآنی منتشر سازند و این اثر بتواند در جهان اسلام گسترده شود. بازنگریها انجام شد، اما فرصت آن نشد که استاد در زمان حیاتشان شاهد نشر آن باشند. اکنون آن مجموعه در ده مجلد با عنوان التمهید فی علوم القرآن در دست انتشار است و صیانة القرآن، شبهات و ردود و دو جلد التفسیر و المفسرون که از جهتی در حوزه علوم قرآنی داخل است به ۶ جلد نخست افزوده شده‌اند. محور کار ما در این مقاله همان چاپ شش جلدی کنونی التمهید است.

2. سرفصلهای علوم قرآنی در التمهید و مقایسه آن با الاتقان

التمهید فی علوم القرآن را کتابی جامع در علوم قرآنی باید شمرد که عمده مباحث مهم این علم را در بر دارد. برای اثبات این مسئله سرفصلهای کلی التمهید را بازگو و سپس انواع هشتادگانه علوم قرآن در الاتقان، به عنوان محوری‌ترین و جامع‌ترین کتاب، در این دانش را در آن جستجو می‌کنیم و نشان خواهیم داد که عمده مباحث الاتقان در التمهید نیز وجود دارد.

در یک نگاه کلی، سرفصلهای علوم قرآن در التمهید چنین است: جلد اول: وحی و قرآن، نزول قرآن، شناخت اسباب نزول، تاریخ قرآن. جلد دوم: قرائات و ناسخ و منسوخ. جلد سوم: محکم و متشابه. و سه جلد دیگر: اعجاز؛ جلد چهارم: درآمدی بر اعجاز (دارای ۱۶ بحث مقدمه‌ای و پایه‌ای). جلد پنجم: اعجاز بیانی و نموده‌های اعجاز در سبک بیانی قرآن. جلد ششم: اعجاز علمی قرآن و اشاره‌های قرآن به اسرار نهفته هستی و معارف والا و قوانین پیشرفته آن.

از انواع هشتادگانه الاتقان فی علوم القرآن اثر جلال‌الدین سیوطی، ۱۹ نوع اول در ۵ نوع قابل دسته‌بندی است: مکی و مدنی، نزول قرآن، اسباب نزول، جمع و ترتیب قرآن و شناخت نامهای قرآن، نامهای سور و شماره آیات و سور. سیوطی بی‌جهت بر شمار این انواع افزوده و زیرمجموعه‌های آنها را تفکیک کرده است. به طور مثال یک نوع را شناخت آیاتی که در حضر و سفر نازل شده، قرار داده است، نوع دیگر را آیاتی که در روز و شب نازل شده و نوع دیگر را آیاتی که در تابستان و زمستان و... که همگی در مکی و مدنی قابل طرح است و نیز اولین بخش نازل از قرآن را در یک نوع آورده است و آخرین بخش را در نوعی دیگر و به همین ترتیب انواعی دیگر را ردیف کرده است که همگی ذیل عنوان نزول قرآن قرار می‌گیرد.

همان‌گونه که یاد شد مکی و مدنی، نزول و اسباب نزول و نیز جمع و تدوین قرآن و مباحث زیرمجموعه‌ای آنها در جلد نخست التمهید آمده است. البته برخی از انواع ۱۹ گانه الاتقان ممکن است قابل پذیرش برای استاد و بسیاری از قرآن‌پژوهان نباشد و بر اساس روایاتی بنا شده است که درستی آن با سؤال مواجه است؛ همانند آیاتی که بر زبان صحابه نازل شده است یا دارای تکرر نزول بوده است. از این رو با وجود مباحثی مهمتر در عصر حاضر همانند بحث وحی، مجالی برای طرح و نقد چنین مباحثی باقی نمی‌ماند. نزول قرآن بر احرف سبعة را سیوطی در نوع ۱۶: کیفیت انزال قرآن آورده است (سیوطی، ۱۴۲۱: ۱۷۲/۱-۱۸۵)، اما در التمهید در بحث قرائات آمده است (معرفت، ۱۴۱۱: ۸۵/۲ و ۱۰۸). اسامی و اوصاف قرآن، نامهای سوره‌ها و شمار آیه‌ها و سوره‌ها در التمهید نیامده است و آیه‌الله معرفت آنها را در تاریخ قرآن افزوده‌اند (معرفت، ۱۳۷۵: ۷۱-۸۳).

از نوع ۲۰ تا ۳۶ الاتقان مباحثی است که در ذیل عنوان قرائات جای می‌گیرد. بحث قرائات در جلد دوم التمهید به صورتی گسترده، تحقیقی و نظام‌مند آمده است و این مباحث را پوشش می‌دهد.

نوع ۳۶ الاتقان درباره شناخت واژگان غریب قرآن، نوع ۳۷ در واژگان غیر حجازی، نوع ۳۸ در واژگان غیر عربی و نوع ۳۹ درباره وجوه و نظائر است. در جلد

پنجم التمهید، هنگام سخن از دقت قرآن در واژه‌گزینی، درباره وجود واژه غریب در قرآن و واژگان غیر حجازی، سخن به میان آمده است و رساله لغات قبایل از قاسم بن سلام طبق نقل سیوطی آورده شده است (معرفت، ۱۴۱۴: ۱۰۸/۵-۱۳۰). استاد در کتاب علوم قرآنی، سه مبحث آخر را آورده است (معرفت، ۱۳۷۹: ۳۱۸-۳۳۴).
 نوع ۴۰ درباره شناخت ادواتی است که مفسر به آنها نیازمند است. مقصود از ادوات حروف است و آنچه شبیه آنهاست از اسماء، افعال و ظروف (سیوطی، ۱۴۲۱: ۴۵۴/۱).

نوع ۴۱ درباره شناخت اعراب قرآن و نوع ۴۲ درباره قواعد مهمی است که مفسر نیازمند است آنها را بداند. این سه بحث از علوم قرآن مباحث نحوی قرآنی است و در کتابی نحوی همچون مغنی اللیب ابن هشام و موسوعه‌های ادبی قرآن؛ مانند دراسات لاسلوب القرآن الکریم، محمد عبدالخالق عظیمه و نیز آثار مستقلى که در باب اعراب قرآن نگاشته شده، آمده است. مجموعه‌هایی از علوم قرآن که در عصر حاضر سامان یافته‌اند به طور معمول به این انواع پرداخته‌اند و در التمهید نیز نیامده است.

نوع ۴۳ در الاتقان، بحث محکم و متشابه است که جلد سوم التمهید به طور مبسوط به این بحث اختصاص یافته است. نوع ۴۴ تقدیم و تأخیر در قرآن کریم است. این مبحث در التمهید وجود ندارد. تنها به مناسبت اعجاز نمونه‌هایی از آن بررسی شده است (معرفت، ۱۴۱۴: ۵۴/۵-۵۶).

نوع ۴۵، ۴۶، ۴۹ و ۵۰، به ترتیب به بحث عام و خاص، مجمل و مبین، مطلق و مقید و مفهوم و منطوق در قرآن کریم پرداخته که مباحثی قرآنی-اصولی‌اند و در التمهید به این مباحث پرداخته نشده است.

نوع ۴۷ الاتقان بحث ناسخ و منسوخ است که در جلد دوم التمهید به شیوه‌ای محققانه و مبسوط بررسی شده است. نوع ۴۸ از الاتقان سخن از آیاتی است که توهم اختلاف و تناقض در آنها وجود دارد. این بحث را استاد آیه‌الله معرفت به عنوان یکی از شبهات قرآنی در کتاب شبهات و ردود حول القرآن الکریم کاویده‌اند و در آنجا پندار تناقض را به نقد کشیده، چگونگی جمع میان آیات

مناقض نما را شرح داده‌اند (نک: معرفت، ۱۴۲۳: ۲۴۳-۳۱۰).

نوع ۵۱ به گونه‌های خطاب در قرآن می‌پردازد که در التمهید وجود ندارد. از نوع ۵۲ تا ۵۸ الاتقان به ترتیب حقیقت و مجاز، تشبیه و استعاره، کنایات و تعریض، حصر و اختصاص، ایجاز و اطناب و خبر و انشا در قرآن کریم و بدایع القرآن طرح شده است. این انواع هفتگانه مباحث قرآنی - بلاغی و برگرفته از سه علم معانی، بیان و بدیع می‌باشد که در جلد ۵ التمهید هنگام سخن از اعجاز بیانی شش نوع آن آمده است. هفتمین وجه از وجوه دهگانه اعجاز بیانی تشبیه‌های نیکو و تصویرهای زیبای قرآن، هشتمین وجه از آن استعاره‌های نیکو و نهمین آن کنایه‌ها و گوشه‌زدنهای زیبای قرآن، و وجه دهم نکته‌های تازه و زیباییهای بدیعی است (نک: معرفت، ۱۴۱۴: ۴۹۸-۳۳۳/۵) در وجه دهم بحث ایجاز و اطناب نیز آمده است و در بحث «فصاحة القرآن فی کفة المیزان» از ایجاز و اطناب و نیز خبر و انشا سخن به میان آمده است (همان: ۵۳۱/۵-۵۵۵ و ۵۷۲-۵۷۶).

در الاتقان، نوع ۵۹ فواصل آیات، نوع ۶۰ سرآغاز سور، نوع ۶۱ پایان سور و نوع ۶۲ مناسبت آیات و سور است. این چهار نوع نیز در ششمین وجه اعجاز بیانی هنگام سخن از به هم پیوستگی و انسجام در ساختار قرآن، مطرح شده است (ر.ک: همان: ۲۳۸/۵-۳۳۲).

نوع ۶۳ درباره آیات شبیه به هم یا آیات همانند سخن می‌گوید که به گونه‌ای به بحث تناسب مرتبط است. شمه‌ای از این بحث در التمهید ذیل نخستین وجه از وجوه اعجاز بیانی با عنوان «نکت و ظرف فیما تکرر من آیات الذکر الحکیم» آمده است (نک: همان: ۹۸/۵-۱۰۷).

نوع ۶۴ الاتقان بحث اعجاز قرآن را قلم زده است که این بحث به گونه‌ای کم‌نظیر بلکه بی‌نظیر در سه جلد التمهید رقم خورده است.

نوع ۶۵ الاتقان درباره علمی است که از قرآن استنباط می‌شود. استاد معرفت در جلد ششم التمهید پیش از پرداختن به اعجاز علمی این پرسش را مطرح می‌کنند که آیا قرآن مشتمل بر جمیع علوم است. بحثی که در آنجا مطرح می‌شود بر نوع ۶۵ الاتقان منطبق است.

نوع ۶۶ «فی امثال القرآن»، نوع ۶۷ «فی اقسام القرآن» و نوع ۶۸ «فی جدل القرآن» نام دارد. امثال قرآن در جلد پنجم التمهید ذیل هفتمین وجه اعجاز بیانی آمده است (همان: ۳۴۶/۵-۳۸۳). استدلال و جدل در قرآن نیز در وجه دهم ذیل عناوین مذهب کلامی، استدلال در قرآن و انواعی از استدلالهای بدیعی در قرآن، دنبال شده است (نک: همان: ۲۹۲/۵-۵۲۰). بحث اقسام قرآن در التمهید نیامده است، اما استاد بحث سوگندهای قرآن را به همراهی بحث امثال قرآن در علوم قرآنی آورده‌اند (ر.ک: معرفت، ۱۳۷۹: ۲۹۵-۳۲۳).

از نوع ۶۹ تا نوع ۷۵ الاتقان مباحثی آمده است که در یک راستا قرار دارند و به ترتیب عبارتند از: نامها، کنیه‌ها و القاب قرآن، مبهمات قرآن، نام کسانی که درباره آنها آیاتی نازل شده است، فضایل قرآن، بخشهایی از قرآن که فضیلت بیشتری دارد، آیه‌های ویژه قرآن و خواص قرآن. از این انواع در التمهید سخنی به میان نیامده است.

نوع ۷۶ درباره رسم الخط و آداب کتابت قرآن است. استاد آیه‌الله معرفت، مباحث چندی را در التمهید درباره رسم الخط قرآن، دنبال کرده‌اند و هنگام معرفی مصاحف عثمانی از رسم الخط آنها، خطاهای املائی که در آنها وجود دارد، پیدایش خط عربی و مطالبی از این دست سخن گفته‌اند (نک: معرفت، ۱۴۱۲: ۳۵۶/۱ تا پایان کتاب). از نوع ۷۷ تا نوع ۸۰ الاتقان، مباحثی تاریخی تفسیری درباره شناخت تفسیر و تأویل، شروط و آداب مفسر، غرایب تفسیر و طبقات مفسرین آمده است. این مباحث در کتاب «التفسیر و المفسرون» استاد آیه‌الله معرفت جای می‌گیرد.

آنچه یاد شد تنها نگاهی اجمالی و کمی به مباحث مشترک میان التمهید و الاتقان بود. بررسی کیفی مباحثی که مشترک میان آن دو است و نوآوریهای التمهید و نیز مقایسه آن با مجموعه‌های مهم عصر حاضر؛ همانند مناهل العرفان زرقانی، مجالی دیگر می‌طلبند.

۳. روش آیی‌الله معرفت در التمهید

تدریس و بحث پیش از انتشار: شیوه کلی استاد آیه‌الله معرفت رحمته‌الله پیش از نشر آثار

خود، آن بود که مباحث خود را در حلقه‌ی شاگردان مطرح و زمینه را برای پرسشها و نقدهای آنان فراهم می‌کردند تا مباحث، پختگی و استواری لازم را بیابد. برخی مباحث را نیز در قالب جزوه‌ها و پیش‌نوشته‌هایی، میان عالمان هم‌دوره خود منتشر می‌ساختند تا از نظرات آنان در این باره بهره‌گیرند. این مسئله را استاد در مقدمه‌ی التمهید و نیز در سخنرانیهای خود بارها اظهار داشته‌اند (ر.ک: همان: ۲۱/۱؛ کتاب معرفت، ۱۳۸۵: ۱۲-۱۳).

این امر پس از نشر آثارشان نیز مصداق داشت و در ضمن تدریس این آثار، از نقدها و پیشنهادهای شاگردان و دوستانشان استقبال می‌کردند و در بازنگری آثارشان آنها را به کار می‌گرفتند؛ از جمله اینکه یکی از شاگردان به ایشان گفتند: ما در برخی تفسیرها به نامهایی مانند ضحاک، سدّی و کلبی برمی‌خوریم که در کتاب شما و دیگر کتابهای تاریخ تفسیری از آنها گفتگو نشده است. استاد در چاپ دوم التفسیر و المفسرون فصلی را با عنوان «کبار المفسرین من اتباع التابعین» افزودند و به آن شاگرد فرمودند: من این کار را به خاطر سخن تو انجام دادم.

ارائه فهرست مطالب پیش از ورود به هر فصل: استاد آیه‌الله معرفت پیش از ورود به هر بحث در التمهید و نیز دیگر آثارشان فهرستی از مطالب مطرح‌شده در آن بحث را ارائه می‌دهند. این فهرست که در برگه‌ای جداگانه در آغاز هر بحث آمده، سرفصلهای مهم آن بحث را در بر دارد و به وسیله خود استاد نوشته شده است و جدا از فهرست اصلی است و گاه اندک تفاوتی با آن دارد. این فهرست همانند نقشه‌ای، منزلگاههای بحث را به خواننده نشان می‌دهد.

در جلد پنجم التمهید به دلیل تفصیل مباحث پس از این فهرست، وجوه دهگانه اعجاز بیانی در چند صفحه معرفی شده‌اند (ر.ک: همان: ۹-۱۲).

مفهوم‌شناسی: در مباحثی که مفاهیم آن نیازمند شناسایی و تعریف است، استاد به توضیح آن مفاهیم از نظر لغوی، اصطلاحی و گاه کاربردهای قرآنی می‌پردازند. از این دسته است: وحی، احکام و تشابه و اعجاز (ر.ک: همان: ۲۵/۱، ۳۰، ۷/۳ و ۹-۱۶/۴). گاه افزون بر مفهوم‌شناسی اهمیت بحث را نیز گوشزد می‌کنند، همانند اهمیت بحث اسباب نزول (نک: همان: ۲۴۱/۱-۲۴۴).

طرح بحث: استاد با پرهیز از پراکنده‌گویی و توضیحات کلیشه‌ای که در کتابهای معاصران رایج است، به طور مستقیم به بحث وارد می‌شوند و چالشهای موجود در آن بحث را بررسی می‌کنند. بنابراین، طرح مباحث غالباً با نشان دادن گره و پرسش همراه است. به عنوان نمونه بحث نزول را چنین آغاز می‌کنند که «مسئله مهمی در اینجا وجود دارد که با مسئله وحی و آغاز رسالت پیوند دارد و آن اینکه بعثت در ماه رجب واقع شده است و با نزول قرآن همراه بوده است و حال آنکه قرآن تصریح می‌کند که در شب قدر از ماه مبارک رمضان نازل شده است، چگونه می‌توان میان این دو جمع کرد... (همان: ۱۰۱/۱).

در بحث اسباب نزول پرسشهایی چنین مطرح می‌کنند: چگونه به شناخت اسباب نزول می‌توان دست یافت؟ آیا میان سبب نزول و شأن نزول تفاوتی وجود دارد؟ ... (همان: ۲۴۱/۱).

استفاده از روایات: آن استاد فرزانه که تعبد را با اندیشه‌ورزی در هم آمیخته بودند، در مباحثی که به نقل نیز تکیه دارد، از روایات بهره‌ وافی می‌برند و در این میان از منابع حدیثی فریقین استفاده می‌کنند؛ نمونه‌های این مسأله در التمهید فراوان است؛ از جمله در بحث چگونگی نزول وحی (همان: ۶۴-۶۸/۱) و نیز نخستین و آخرین آیات و سوره نازله (همان: ۱۲۴-۱۲۹/۱). استاد در این میان برای علامه مجلسی احترام زیادی قائل بودند و توضیحات او را به عنوان یک متخصص برجسته در فهم حدیث ارج می‌نهادند (از جمله رک: همان: ۱۳۰/۶). استاد خود نیز در نقد روایات چیره‌دست بود و روایاتی را که با مبانی دین و نص و محتوای کتاب مبین ناسازگار بود به نقد می‌کشید و ضعف آن را نشان می‌داد؛ از نمونه‌های آن است: حدیث آغاز وحی و قصه ورقه بن نوفل (همان: ۷۸-۸۵)، اسطوره‌گرانیق (همان: ۸۵-۹۸) و روایاتی جعلی در اسباب نزول (همان: ۲۴۷/۱ و ۲۵۳).

نقل و نقد آرای مهم و انتخاب نظر: استاد آیه‌الله معرفت برای دیدگاههای اهل اندیشه و نظر در هر دانش، احترام قائل بود و آن را شایسته توجه و تأمل می‌دانست البته این احترام گذاشتن مانع از نقد آنها نبود، بلکه استاد نقد یک نظر را نشانه احترام به آن می‌دانستند؛ زیرا اگر نظری مهم و محترم نباشد ارزش نقد را نخواهد داشت.

بازگویی آرای صاحبان نظر، در التمهید چشم‌گیر است به ویژه در جلد‌های سه‌گانهٔ مربوط به اعجاز، البته مؤلف گرانقدر آن هیچگاه خواننده را در میان نظرات گوناگون رها نمی‌کرد، بلکه همیشه نظر خود را اعلام می‌کرد و نتیجهٔ لازم را می‌گرفت. او پس از انتخاب نظر خود، دیدگاه مخالف را به نقد می‌کشید یا پس از نقد آرا، دیدگاه صحیح را اختیار می‌کرد و نظر خود را اعلام می‌فرمود؛ نمونهٔ این نقدها و اختیارها بسیار است؛ از جمله در نزول قرآن (ر.ک: همان: ۱۱۲/۱-۱۲۳)، جمع و تدوین قرآن (همان: ۲۸۸-۲۸۳/۱)، تواتر قرائات (همان: ۶۲/۲-۸۴)، ضابطهٔ قبول قرائت (همان: ۱۱۰/۲-۱۶۷)، بحث تأویل (همان: ۳۰/۳-۳۴).

اگر در جایی از التمهید نقل قولی وجود داشته باشد که استاد دربارهٔ آن نقد و نظری نداشته باشد، این به منزلهٔ پذیرش آن سخن است؛ زیرا ایشان بر این اعتقاد بود که اگر نویسنده‌ای در نوشته‌اش سخن دیگری را نقل کند و آن را نقد نکند، گویا آن را پذیرفته است و می‌توان او را بر اشکالات آن سخن مؤاخذه کرد. نویسنده اگر آن را نمی‌پسندد باید انتقاد خود را بیان کند.

نظر دیگری که استاد در این باره داشت این بود که اگر محققى مطلبی را نیاز دارد که باز گوید و می‌بیند دیگری آن را به خوبی تحقیق و بیان کرده است، لزومی به تحقیق مجدد آن مطلب نیست و می‌تواند آن سخن را با استناد به نویسنده‌اش بیاورد. از این‌رو گاه استاد سخن خود را از زبان دیگران باز می‌گفت و در آغاز نقل گاه چنین تعبیر می‌کرد که «اکنون قلم را به دست او می‌سپاریم» (به عنوان نمونه ر.ک: همان: ۱۵۱/۵-۱۵۷، ۲۵۳-۳۸۳ و ۲۱۹/۶).

نمونه‌آوری: یکی از ویژگیهای خوب استاد آیه‌الله معرفت در التمهید و آثار دیگر خود، آن است که تنها به بحث نظری و کلی اکتفا نمی‌کنند، بلکه در مباحثی که نمونه و مصداق دارد، نمونه‌های فراوانی برای آن یاد می‌کنند، حتی گاه برای دستیابی به نتیجهٔ مطلوب، تمامی مصادیق مورد ادعا را بررسی می‌کنند. ارائهٔ لیستهای مختلف در جلد نخست التمهید و جدولهای مقایسه‌ای، بررسی سوری که در مکی و مدنی بودن آنها اختلاف وجود دارد و نیز بررسی آیات استثناسده از سور مکی و مدنی در همان جلد، نمونه‌هایی از این دست است. در جلد دوم، تمامی

آیاتی که ادعای نسخ آن شده، بررسی شده است، در جلد سوم، نمونه‌های بسیاری در بحث محکم و متشابه تحقیق شده است و همین طور در جلد چهارم و پنجم مثالهای فراوانی یاد شده است. در جلد ششم نیز نمونه‌های گوناگونی در بحث اعجاز علمی آورده شده است.

پاسخ به شبهات: غیرت و حمیت دینی استاد فقید آیه‌الله معرفت همان گونه که او را به وادی پژوهش در قرآن کشاند، در ادامه راه نیز او را وامی‌داشت تا در مقابل شبهاتی که به دین، قرآن و مذهب تشیع وارد شده است، پاسخ گوید و از حریم حق دفاع کند. جلوه بارز این امر در «صیانة القرآن من التحریف» و «نقد شبهات پیرامون قرآن کریم» ظهور یافته است، اما در خلال التمهید و التفسیر و المفسرون نیز هر جا به مناسبت بحث، شبهه‌ای پیش می‌آید، آن را به نقد می‌کشد. همانند شبهه‌های مطرح شده در بحث وحی (همان: ۱/۲۳-۵۴)، بحث نسخ (همان: ۲/۲۸۰ و ۲۹۷-۳۰۰) و شبهات نهفته در آیات متشابه (همان).

به کار بستن اخلاق پژوهش: امانت در نقل، احترام به بزرگان، انصاف، پرهیز از تعصب، حق‌جویی و حق‌مداری و دوری از جنجال‌آفرینی از جمله صفات بایسته یک محقق است که آن استاد وارسته و فرهیخته آن را در پژوهشهای خود از جمله التمهید مد نظر داشتند. در بعد امانت، نقل مطالبی را که از دیگران آورده‌اند، به گوینده و منبع آن استناد داده‌اند. در این استنادها نقل قولهای مستقیم و بی‌واسطه از نقلهای باواسطه مشخص است و منبع میانی نیز ذکر شده است. شخصیت‌هایی را که نام برده‌اند، با القاب و عناوین مرسوم و مناسب آنان یاد کرده‌اند.

در میان نویسندگان اهل سنت، کم نیستند کسانی که وقتی پای دیگر فرقه‌های اسلامی و آرای آنان به میان می‌آید، بدون آنکه درباره نسبت‌هایی که به آنان داده می‌شود، تحقیق کنند، یا سخن آنان را به درستی فهمیده باشند، با عباراتی ناشایست به کوبیدن آنان می‌پردازند (به عنوان نمونه ر.ک: زرقانی، ۱۴۱۶: ۱/۱۳۱). این فزون بر آن است که به ندرت می‌توان در میان منابع آنان، آثار عالمان شیعی را سراغ گرفت؛ اما استاد آیه‌الله معرفت همه جا همپای یکدیگر، از منابع فریقین استفاده می‌کند و ضمن تجلیل از نظرات خوب دیگران، نقدهای خود را محترمانه و منصفانه بیان می‌کند.

4. ویژگیهای التمهید

استاد آیه الله معرفت عالم و محقق توانمندی بود که بایستگیها و شایستگیهای یک پژوهشگر قرآنی را به کمال در خود گرد آورده بود: توان اجتهادی، به کار بستن شیوه اجتهادی و روشمند، سختکوشی و خستگی ناپذیری، علم دوستی و علم جویی، اخلاق و تعهد، درد دین داشتن، نقدپذیری و انصاف، امانت داری، شاگرد پروری و بسیاری از صفات والای دیگر و این همه صفات کمال مؤلف، التمهید را اثری گرانسنگ و پربار ساخته است که نقطه عطفی در علوم قرآنی به شمار می رود و جایگاه خود را به عنوان اثری بزرگ و ماندگار در این عرصه تثبیت کرده است. در این بخش برخی از ویژگیها و برجستگیهای التمهید یاد می شود:

جامعیت و گستردگی: از بحثهای پیشین روشن شد که التمهید را باید اثری جامع در علوم قرآن به شمار آورد که عمده مباحث این دانش را در بر دارد. از نظر گستردگی و حجم نیز نگارنده، کتابی بدین حجم در علوم قرآنی سراغ ندارد. از این رو، التمهید همچون دایرة المعارفی است که پاسخگوی جویندگان دانشهای قرآنی خواهد بود.

ژرفایی و استواری: در کنار جامعیت و گستردگی، التمهید اثری محققانه، پر عمق و استوار است. مسائل مطرح شده در آن تا رسیدن به نتیجه مطلوب کاویده شده است. نظرات، استدلالها و نقدها، پختگی لازم را دارد و نقلها و برداشتها قابل اعتماد است.

نوآوری: گردونه علوم قرآن در بسیاری از آثار اهل سنت روندی تکراری یافته است و آیندگان، سخن گذشتگان را با همان مثالها و گاه با همان عبارات و جملات باز می گویند. آثار تحول آفرین و نوآور، اندک است. استاد آیه الله معرفت با افزودن مکتب اهل بیت علیهم السلام و مبانی و روشن نگریهای برخاسته از آن، تحولی تازه آفریدند و مطالعات قرآنی را گامی به جلو بردند. نشان دادن خطاها و لغزشهایی که در بیان و بنان دیگر عالمان و نویسندگان واقع شده و ارائه پیشنهادات تازه و مستدل برای حل و فصل برخی مسائل قرآنی، از جمله نوآوریهای التمهید است (برای نمونه رک: معرفت،

۱۴۱۲: ۱، ۱۶۹/۱، ۱۱۷/۲ و ۱۴۳).

پویایی: التمهید کتابی ایستا نبوده که نگارنده آن را بنگارد و واگذارد، بلکه سیری تکاملی را طی کرده است و نویسنده همچون باغبانی مراقب آن بوده و آن را پرورش داده است. یک مرحله از این سیر تکاملی، تبدیل جزوه‌ها و دست‌نوشته‌ها به کتاب بوده است، مرحله دیگر چاپ مجدد و بازنگری شده سه جلد نخست التمهید پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران بود. در تبدیل التمهید به قالب تاریخ قرآن و علوم قرآنی فارسی نیز افزوده‌ها و اصلاحاتی صورت گرفت. در تدریسها و تحقیقات پس از نشر نیز، استاد به مطالب و نظرات تازه‌ای دست می‌یافت که گاه آنها را در مصاحبه‌ها و سخنرانیها اعلام می‌کرد یا در مجلات نشر می‌داد. نتیجه این امور خود را در بازنگری نهایی التمهید نشان داده است که به زودی منتشر خواهد شد.

گسترده‌گی منابع: التمهید کتابی پرمنبع است و از آثار پیشینیان و معاصران در میدانهای گوناگون به خوبی بهره برده است. در بخش منابع التمهید به این مسئله پرداخته خواهد شد.

توأم ساختن علوم قرآن با معارف آن: یکی از مشکلات مباحث علوم قرآنی، کلی و نظری بودن آنهاست، در حالی که قرآن جوین بیشتر جوینده معارف آنند. نمونه آوری بیشتر و تطبیقات عینی بر قرآن، می‌تواند علوم قرآنی را از حالت خشکی و جمود بیرون آورد و آن را کاربردی سازد. التمهید کتابی است که این کار را به خوبی انجام داده است. در سرتاسر التمهید آمیزه‌ای از تفسیر و علوم قرآن دیده می‌شود. این امر در جلد سوم، بحث «متشابهات القرآن» و جلد ششم، نمونه‌های اعجاز علمی، نمود بیشتری دارد.

پختگی و زیبایی نگارش: استاد آیه‌الله معرفت از قلمی زیبا و دقیق، ادیبانه و استوار برخوردار بود. دلیل این امر افزون بر بهره خدادادی، مطالعات بسیاری بود که از دوران کودکی در آثار ادبی داشتند. هنگام نگارش نیز دقت و حوصله به کار می‌بردند و اگر متنی را نمی‌پسندیدند دوباره یا چندباره آن را بازنویسی می‌کردند؛ از این رو بخشهایی از التمهید که نقل قلم دیگران نیست و خود ایشان نگاشته است،

زیبایی و ایجاز آن، خواننده را به شگفتی وا می‌دارد. از جمله در مقدمهٔ جلد پنجم چنین می‌نگارد: «تلك جهودنا المتواصلة في سبيل الوصول إلى وجوه إعجاز هذا الكلام الإلهي الخالد، الذي لم يزل موضع إعجاب الخافقين. و لكن هل بلغنا الغاية أم نحن في البداية؟! هذا مبلغ وسعنا، و الغاية بعيدة الآفاق» (همان: ۶/۵).

نظم خوب: چینش مباحث و مطالب در التمهید از نظمی خوب و منطقی برخوردار است.

5. منابع التمهید

التمهید اثری به حق پرمنبع و محققانه است که در تدوین علوم قرآنی از آثار بسیاری در عرصه‌های مختلف علوم استفاده کرده است. بسیاری از این منابع خارج از حوزهٔ علوم قرآن و تفسیر قرار دارند و اگر تسلط استاد و خستگی‌ناپذیری ایشان در تتبع و جستجوی منابع نبود، در ردیف کار قرار نمی‌گرفتند و مطالب قرآنی یا آنچه به آن ارتباط پیدا می‌کند، از دل این منابع بیرون کشیده نمی‌شد. این آثار بسیار متنوع و گوناگون است و آثار کهن گذشتگان و معاصران، کتابها و مجلات از فرقه‌های گوناگون و در دانشهای مختلف را فرا می‌گیرد. در ذیل، این منابع را با توجه به نوع علم دسته‌بندی می‌کنیم و برای هر دسته به نمونه‌هایی اکتفا می‌شود:

کتابهای علوم قرآن: مانند: البرهان زرکشی، الاتقان سیوطی، مناهل العرفان زرقانی، مباحث فی علوم القرآن صبحی صالح، البیان سیدابوالقاسم خویی، تاریخ القرآن زنجانی، ایاری و کردی، اعجاز القرآن رافعی، النبأ العظیم دراز و آثار فراوان دیگری در اسباب نزول، اعراب قرآن، قرائات، ناسخ و منسوخ و اعجاز قرآن.

تفاسیر: شامل تفاسیر عیاشی، قمی، طبری، الدر المنثور سیوطی، مجمع البیان، التبیان، کشاف، فخر رازی، ابن کثیر، قرطبی، صافی، البرهان، آلوسی، المیزان و بسیاری تفاسیر دیگر.

کتابهای حدیثی و شروح آنها: همانند: نهج البلاغه، کتب اربعهٔ شیعه به ویژه کافی، صحاح ستهٔ اهل سنت، وسائل الشیعه، بحار الانوار و مصادر آن، مسند ابن حنبل، فتح الباری، ارشاد الساری و....

تاریخ و تراجم: سیره ابن هشام، تاریخ طبری، تاریخ یعقوبی، طبقات ابن سعد، اسد الغابة از ابن عبدالبر، الاصابه از ابن حجر و دیگر آثار او مانند تهذیب التهذیب، میزان الاعتدال و تذکرة الحفاظ ذهبی، وفيات الاعیان ابن خلکان، تاریخ تمدن اسلامی از جرجی زیدان و....

کتابهای اعتقادی و کلامی: همانند: شرح اصول خمسۀ قاضی عبدالجبار، الابانه، اللمع و مقالات الاسلامیین از ابوالحسن اشعری، الملل و النحل شهرستانی، شرح عقاید نسفیۀ تفتازانی، شرح تجرید الاعتقاد علامۀ حلی و....

کتابهای ادبی عربی و فارسی: شامل لغت، نحو، معانی، بیان و بدیع و دیگر فنون ادب عربی. مانند: العین خلیل، معجم مقاییس اللغه از ابن فارس، لسان العرب ابن منظور، اساس البلاغۀ زمخشری، کتاب سیبویه، المعضل زمخشری، الخصائص ابن جنی، مفتاح العلوم سکاکی، المثل السائر ابن اثیر، العمدة ابن رشیق و لغت نامۀ دهخدا.

فقه و اصول: مانند المحلی از ابن حزم، جواهر الکلام شیخ محمدحسن نجفی، مستند الشیعة نراقی، الفقه علی المذاهب الاربعۀ جزیری، مفتاح الکرامۀ عاملی، اصول سرخسی، فرائد الاصول شیخ انصاری و الموافقات شاطبی.

علوم طبیعی: در رشته‌های مختلف همانند طب، نجوم و جغرافی مثل: قانون ابن سینا، الطب فی القرآن الکریم هویدی، اصل الانواع اسماعیل مظهر، مبانی نجوم جمعی از اساتید، بصائر جغرافیۀ رشید رشدی.

دیگر آثار: منابع التمهید تنها در آثاری که گفته شد خلاصه نمی‌شود، بلکه شامل زمینه‌های دیگر نیز می‌شود؛ همانند دایرة المعارف قرن‌عشرین فرید و جدی، احیاء العلوم غزالی و... از منابعی که نام بردیم به طور یکنواخت در تمام التمهید استفاده شده است، بلکه به تناسب موضوعی که بحث می‌شود، منابع نیز متفاوت می‌شود و شمار برخی از منابع در برخی جلدها بیشتر یا کمتر می‌شود، البته چاپ کنونی التمهید فاقد فهرست منابع و مشخصات آنهاست و ارجاعات پاورقیها از شیوۀ واحدی تبعیت نمی‌کند، گاه نام کتاب بدون نام مؤلف یاد می‌شود و گاه عنوان انتزاعی از نام کتاب می‌آید که امید است این نقص در چاپ جدید برطرف شود.

6. نقش التمهید در فرایند قرآن پژوهی

التمهید در جریان قرآن پژوهی کشور نقش بسیار روشنی دارد؛ همان گونه که المیزان علامه طباطبایی حرکت تفسیری کشور را هدایت کرد، التمهید فی علوم القرآن نیز نقش مکمل آن را به عهده گرفت و شاخه علوم قرآنی را هدایت کرد. گویا خداوند متعال چنین مقدر کرده بود که استاد آیه الله معرفت، همت خود را در راه سامان دادن آثاری چنین گرانمایه مصروف دارد تا آن گاه که نسل جوان و تشنه قرآن به سوی آن روی آورند، منبعی شایسته وجود داشته باشد تا آنان را با میراث علوم قرآنی آشنا سازد.

نقش و تأثیر التمهید را در دو بعد آموزشی و پژوهشی می توان دنبال کرد؛ در بعد آموزشی افزون بر خود التمهید، متون برگرفته از آن را می توان در نظر آورد. تلخیص التمهید، علوم قرآنی، تاریخ قرآن و آموزش علوم قرآنی در حوزه های علمیه و دانشگاه های کشور به عنوان متن آموزشی در معرض استفاده است.

در بعد پژوهشی التمهید تأثیری راهبردی در بسیاری از پایان نامه های قرآنی کشور داشته است و در میان آثار قرآنی نگاشته شده پس از التمهید که هم حوزه با موضوعات مطرح شده در آن بوده است، به این اثر به عنوان یک منبع مهم استناد شده است و نیز پژوهندگان را به سوی آثار دیگری که قابلیت استناد داشته اند، رهنمون گردیده است. برای اثبات این امر تنها کافی است به کتابنامه ها و یا پاورقی های آثار قرآنی در خور توجه نظری بیفکنیم. برای نمونه کتابهای زیر از التمهید بهره برده و به آن ارجاع داده اند: مقدمه تحقیق جمال القراء و کمال الاقراء سخاوی (۱۴۱۳: ۱۹۸/۱)؛ درسنامه علوم قرآنی از حسین جوان آراسته (۱۳۸۰: ۷۳، ۱۰۹، ۲۷۵ و ۴۲۳)؛ علوم قرآنی از محمدباقر سعیدی روشن (۱۳۷۷: ۴۴، ۴۵ و ۹۷)؛ درسهایی از علوم قرآنی از حبیب الله طاهری (۱۳۷۷: ۱/۲۷۲، ۳۵۴، ۱۸۲/۲ و ۲۳۲)؛ قرآن شناسی محمد تقی مصباح یزدی (۱۳۷۶: ۱۴۰)؛ روش شناسی تفسیر قرآن (۷۰، ۷۹ و ۱۳۱)؛ آشنایی با علوم قرآنی از محمد مهدی رکنی یزدی (۱۳۷۹: ۱۸۴ و ۱۸۸)؛ دایرة المعارف قرآن کریم (۱۳۸۲: ۱/۷۰۲ و ۳/۶۴۸)؛ علوم القرآن از سید ریاض حکیم (۱۴۲۵: ۱۰۹ و ۲۴۰).

در پایان شادی روح آن بزرگ را از خداوند منان خواستاریم.

کتاب‌شناسی

۱. اقبال، ابراهیم، فرهنگ‌نامه علوم قرآنی، تهران، امیر کبیر، ۱۳۸۵ ش.
۲. جوان آراسته، حسین، درسنامه علوم قرآنی (سطح ۲)، چاپ پنجم، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۸۰ ش.
۳. حکیم، سیدریاض، علوم القرآن، چاپ دوم، نجف اشرف، دار الهلال، ۱۴۲۵ ق. - ۲۰۰۴ م.
۴. خرمشانی، بهاء‌الدین، قرآن شناخت، چاپ سوم، تهران، طرح نو، ۱۳۷۵ ش.
۵. رکنی یزدی، محمدمهدی، آشنایی با علوم قرآنی، تهران، سمت، ۱۳۷۹ ش.
۶. زرقانی، محمد عبدالعظیم، مناهل العرفان فی علوم القرآن، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۶ ق. - ۱۹۹۶ م.
۷. سخاوی، علم‌الدین ابوالحسن، جمال القراء و کمال الاقراء، تحقیق عبدالکریم زبیدی، بیروت، دار البلاغه، ۱۴۱۳ ق. - ۱۹۹۳ م.
۸. سعیدی روشن، محمداقبر، علوم قرآنی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۷۷ ش.
۹. سیوطی، جلال‌الدین، الاتقان فی علوم القرآن، با تحقیق احمد فواز زمهرلی، چاپ دوم، بیروت، دار الكتاب العربی، ۱۴۲۱ ق. - ۲۰۰۱ م.
۱۰. صالحی کرمانی، درآمدی بر علوم قرآنی، تهران، جهاد دانشگاهی و دانشگاه تهران، ۱۳۶۹ ش.
۱۱. صبحی صالح، مباحث فی علوم القرآن، چاپ دهم، بیروت، دار العلم للملایین، ۱۹۷۷ م.
۱۲. طاهری، حبیب‌الله، درسهایی از علوم قرآنی، تهران، اسوه، ۱۳۷۷ ش.
۱۳. طباطبایی، سیدمحمدحسین، قرآن در اسلام، چاپ هفتم، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین، ۱۳۷۴ ش.
۱۴. قطان، مناع، مباحث فی علوم القرآن، چاپ سی و چهارم، بیروت، مؤسسه الرساله، ۱۴۱۸ ق. - ۱۹۹۸ م.
۱۵. مؤسسه فرهنگی تمهید، آفتاب معرفت، مؤسسه فرهنگی تمهید، ۱۳۸۵ ش.
۱۶. مرکز فرهنگ و معارف قرآن، دایره المعارف قرآن کریم، چاپ دوم، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۳ ش.
۱۷. مصباح یزدی، محمدتقی، قرآن‌شناسی، تحقیق و نگارش محمود رجبی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۷۶ ش.
۱۸. معرفت، محمدهادی، التمهید فی علوم القرآن، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۲ ق (جلد ۱ و ۳)، ۱۴۱۱ ق (جلد ۲ و ۴)، ۱۴۱۴ ق (جلد ۵)، ۱۴۱۷ ق (جلد ۶).
۱۹. همو، تاریخ قرآن، تهران، سمت، ۱۳۷۵ ش.
۲۰. همو، شبهات و ردود حول القرآن الکریم، قم، التمهید، ۱۴۲۳ ق. - ۲۰۰۲ م.
۲۱. همو، علوم قرآنی، تهران، سمت، ۱۳۷۹ ش.
۲۲. موسوی دارابی، سیدعلی، نصوص فی علوم القرآن، با اشراف محمد واعظزاده خراسانی، مشهد، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۴۲۲ ق. - ۱۳۸۰ ش.